

مقدمه‌ای بر جغرافیای سیاسی ایران

○ دکتر مهدی چوبینه

بی‌طرف و سیاست‌زدایی شده دهه‌های ۵۰ و ۶۰ میلادی بسیار متفاوت است» و سپس تحولات سیاسی اخیر در منطقه خاورمیانه و به‌خصوص محدوده جغرافیایی ایران را دلیلی بر پیشرفت جغرافیای سیاسی ایران عنوان می‌کند. نویسنده هدف کلی از نگارش را آشنا ساختن مخاطبان با جغرافیای سیاسی ایران از حیث تکوین نظام دولت و علت وجودی آن، عوامل سازنده دولت، تحلیل قدرت ملی و زمینه‌های جغرافیایی تولید تنش در ایران بیان نموده است. اما کتاب را فارغ از دیدگاه‌های فکری، فلسفی متداول در جغرافیای سیاسی امروز معرفی می‌نماید. با بررسی دقیق‌تر محتوای کتاب، می‌توان به میزان تحقق اهداف معرفی شده پی برد:

در فصل اول با عنوان «کلیات» به موضوعات زیربنایی «جغرافیای سیاسی» اشاره شده است. موضوعاتی نظیر ماهیت و قلمرو جغرافیای سیاسی، تحولات جغرافیای سیاسی، سابقه آموزش و پژوهش در جغرافیای سیاسی و موقعیت کنونی آن در ایران، جغرافیای سیاسی و ژئوپلتیک، قابلیت‌ها و محدودیت‌های کاربردی جغرافیای سیاسی. در قسمت دوم از فصل اول مفاهیم همیشگی در جغرافیای سیاسی نظیر مرز، بوم (سرزمین)، حکومت، دولت، حاکمیت، شهر، منطقه، امت، ملت، هویت، میهن‌خواهی، منافع ملی، علت وجودی مرکز و پیرامون، نظام جهانی در جغرافیای سیاسی را توضیح می‌دهد و در ادامه همین فصل مفاهیم و موضوعات دیگری را به شکل مقایسه‌ای مطرح می‌نماید. به عنوان مثال در بحث از مفاهیم اعتباری یا مفاهیم ژئوپلتیک، مقایسه‌ای میان مفاهیمی که دانشگاهیان می‌پروراند و مفاهیمی که سیاستمداران پیش می‌کشند را ارائه می‌کند.

در بخش مفاهیم موردنظر دانشگاهیان، تقسیم جهان سیاسی برای ترتیب و توالی قدرت، تقسیم جهان بر اساس توانمندی اقتصادی، تقسیم جهان بر اساس پیشرفت ارتباطات، پیدایش امپریالیزم غیررسمی و جهان متخاصم و پایان گرفتن تاریخ مورد بحث قرار گرفته است.

در بخش مفاهیم موردنظر سیاستمداران به مسائلی نظیر تقسیم جهان به شمال و جنوب اقتصادی، تقسیم جهان بر اساس اندیشه‌های خودمحموری، جامعه بین‌المللی، نظم

در بین تمامی گرایش‌های رشته جغرافیا، شاید از کم‌منبع‌ترین گرایش‌ها بتوان از جغرافیای سیاسی نام برد. این موضوع تنها به منابع فارسی محدود نیست بلکه در سایر منابع نیز به طور مستقیم جغرافیای سیاسی کمتر مورد توجه قرار گرفته است و عمدتاً در بین علوم استراتژیک و ژئوپلتیک، جایگاه جغرافیای سیاسی به عنوان خاستگاه هر دو گرایش تا حد زیادی مغفول واقع شده است. به طوری که اگر مجموعه منابع فارسی با عنوان جغرافیای سیاسی را کنار هم قرار دهیم از تعداد انگشتان دو دست تجاوز نخواهد کرد. اگرچه در سالهای اخیر واحدهای فرهنگی وزارتخانه‌ها و نهادهای مسئول در امور خارجه تا حدود زیادی بر غنای منابع علمی جغرافیای سیاسی افزوده‌اند اما تا رسیدن به حد مطلوب در مورد منابعی که بتواند نیاز دانشجویان و علاقه‌مندان به این رشته را تامین کند، راهی طولانی در پیش است.

کتاب مقدمه‌ای بر جغرافیای سیاسی ایران تالیف مهدی مینایی از سوی دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه به چاپ رسیده است. با توجه به اینکه عنوان کتاب در ادبیات جغرافیایی زبان فارسی بی‌سابقه بود لزوم کنکاش در محتوای آن بر هر جغرافی خواننده‌ای محرز بود.

در پیشگفتار کتاب آمده است «دانش جغرافیا را باید یکی از اولین علمی دانست که بشر به آن دست یافته است چرا که انسان بعد از شناخت «خداوند» و سپس شناخت «خود» به شناخت «محیط اطراف» پرداخته است. باید جغرافیا را تمامی علوم نام نهاد، زیرا همه دانش‌های بشر، ناگزیر از شناخت هرچه بهتر محیط خود می‌باشد و در عمل هر یک به نحوی از خدمات علم جغرافیا بهره می‌برند و جغرافیا نیز با استفاده از سایر علوم، انسان را جهت فراهم نمودن شرایط زندگی بهتر و بهره‌برداری مناسب از طبیعت کمک می‌کند.»

در ادامه پس از شرحی مختصر در مورد شاخه‌های علم جغرافیا و سابقه جغرافیای سیاسی به علل تحولات جغرافیای سیاسی اشاره می‌کند و می‌نویسد «در همین دو دهه اخیر جغرافیای سیاسی با برقراری رابطه‌ای نزدیکتر با رشته‌های علوم سیاسی و روابط بین‌الملل در جهت هرچه سیاسی‌تر شدن گام برداشته و از این جهت با جغرافیای سیاسی



- مقدمه‌ای بر جغرافیای سیاسی ایران
- تالیف: مهدی مینایی
- ناشر: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۱



مناطق حاشیه
قدرت دریایی

نقشه جهان از دیدگاه مکیندر در سال ۱۹۴۳



نقشه جهان از دیدگاه مکیندر در سال ۱۹۰۴

در بین تمامی گرایش‌های رشته جغرافیا، شاید از کم‌منبع‌ترین گرایش‌ها بتوان از جغرافیای سیاسی نام برد. این موضوع تنها به منابع فارسی محدود نیست بلکه در سایر منابع نیز به طور مستقیم جغرافیای سیاسی کمتر مورد توجه قرار گرفته است و عمدتاً در بین علوم استراتژیک و ژئوپلتیک، جایگاه جغرافیای سیاسی به عنوان خاستگاه هر دو گرایش تا حد زیادی مغفول واقع شده است

در اختیار خواننده قرار می‌دهد. در فصل سوم با عنوان «مشخصات جغرافیایی سرزمین ایران» پس از اشاره‌ای کلی به محدوده فلات ایران و مشخصات طبیعی بارز آن، به موقعیت کلی کشور ایران اشاره می‌کند و پس از اشاره به موقع جغرافیایی کشور ایران اعم از موقع ریاضی و نسبی، بحث را به موقعیت ژئوپلتیکی ایران می‌کشاند و از این مسیر، حوزه‌های ژئوپلتیکی مجاور ایران نظیر حوزه ژئوپلتیکی خلیج فارس، دریای عمان، اقیانوس هند، فلات ایران، آسیای مرکزی و دریای مازندران را بررسی می‌کند. در ادامه این بحث به عوامل مؤثر بر ژئوپلتیک ایران توجه کرده و این عوامل را به دو دسته تقسیم می‌کند: عوامل ثابت نظیر موقع جغرافیایی، وسعت، وضعیت مرزها، شرایط رودخانه‌های مرزی، عوارض طبیعی و اقلیمی مؤثر بر امنیت و شکل جغرافیایی، و عوامل متغیر نظیر جمعیت، منابع طبیعی، تحولات سیاسی - اجتماعی. در انتها نیز تحلیلی جغرافیایی و ژئوپلتیکی از امنیت ملی و قدرت ملی ایران و عوامل جغرافیایی افزایشدهنده و کاهشدهنده قدرت ملی را مشخص می‌نماید. گرچه عنوان این فصل «مشخصات جغرافیایی سرزمین ایران» است اما نویسنده بر اساس نیازی که مخاطبان به مسایل فرعی خصوصیات جغرافیایی ایران دارند به درستی به نکاتی پرداخته است که در ادامه مطالعات جغرافیای سیاسی مورد نیاز وی خواهد بود. مؤلف در فصل چهارم با عنوان «بررسی نقش و جایگاه ایران در نظریات مهم ژئوپلتیکی قرن بیستم» به ریشه‌یابی تفکرات ژئوپلتیکی قرن بیستم پرداخته دیدگاه‌های مهم ژئوپلتیکی مانند نظریات **آلفرد تایرماهان** و نظریه قدرت دریایی او **هلفورد مکیندر** و نظریه **هارتلند وی** و اسپایکمن و نظریه او را بیان می‌کند. اگرچه در بدو این فصل اشاره می‌کند: سیاست خارجی تا اندازه زیادی متأثر از محدودیت‌های ژئوپلتیکی است، اما هیچگاه به این نکته اشاره ندارد که در شرایط خاص، دیگر این محدودیتها به اندازه‌ای که در زمان ماهان یا مکیندر مطرح بوده‌اند، دیگر مطرح نیستند. مؤلف همچنین دلیل طرح این نظریات معروف را از آن جهت می‌داند که «در هر سه نظریه، ایران به عنوان یکی از مناطق حساس ذکر شده و با موقعیت

نوین جهانی و گروه‌بندی‌های منطقه‌ای ژئواکونومیک توجه داشته است. آنچه از محتوای فهرست مطالب فصل اول بدست می‌آید این که این فصل تا حدودی توانسته است اطلاعات لازم اولیه برای ادامه مطالعات جغرافیای سیاسی را در اختیار خواننده بگذارد اما اگر مؤلف می‌توانست تقسیم‌بندی جزئی‌تر بخش‌های مختلف فصل اول را برای خواننده روشن نماید و در بخش سوم مقایسه بین مفاهیم دانشگاهیان و سیاستمداران را به صورت مقایسه موردی در هر یک از بخش‌های ارایه شده، بیان کند قطعاً مطالب ارایه شده برای مطالعه سایر فصول از پایداری بیشتر نزد مخاطبان برخوردار می‌شد. در فصل دوم کتاب با عنوان «پیدایش و بنیان‌پذیری «حکومت» و «مرز» در ایران» به موضوع پیدایش ایران، و چگونگی شکل‌گیری حکومت‌ها در سرزمین ایران اشاره می‌کند. وی در بحث گذر تکاملی مفهوم حکومت در ایران ضمن اشاره به تاریخ حکومت در ایران عناوین دیگری نظیر پارس، خاستگاه نخستین امپراتوری جهانی و دلایل ظهور این امپراتوری را مورد توجه قرار داده از ورود کوروش به صحنه، انحطاط نیروهای مقابل، بینش نو در کار جهان، جهان‌بینی مزدایی - زرتشتی اخلاق و تربیت، آزادی و کردارگرایی به عنوان عوامل مؤثر در پیدایش این امپراتوری صحبت کرده است. مؤلف در ادامه این فصل ذیل عنوان «باز پیدایی حکومت در ایران» به جنبش‌های ایرانیان پس از اسلام اشاره می‌کند و جنبه‌های جغرافیایی این جنبش‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهد و تقسیمات سیاسی واحدهای داخلی را تا زمان حاضر به تفکیک دوره‌های تاریخی مطرح می‌کند. در انتهای این فصل به اصلی‌ترین عنصر «جغرافیای سیاسی ایران یعنی «مرز» در ایران می‌پردازد و ضمن بازگویی پیشینه مرز در ایران، نحوه شکل‌گیری مرزهای کنونی، مشخصات مرزهای ایران را به اختصار بیان می‌کند. یکی از امتیازات این بخش از فصل دوم اشاره به زمان رسمیت یافتن هر یک از مرزهای ایران با همسایگان فعلی می‌باشد. این فصل نیز همانند فصل اول اطلاعات ذیقیمتی در مسایل جغرافیای تاریخی با تاکید بر موضوعات سیاسی



سرزمین ایران میان دریای خزر و خلیج فارس یعنی در منطقه تأمین کننده انرژی در سده بیست و یکم قرار گرفته است «بیضی استراتژیک انرژی» ترسیم شده بوسیله جفری کپ

ژئوپولیتیکای ایران ارتباط دارد...» از این جهت در انتهای این فصل با پرداختن به جایگاه ژئوپولیتیکای ایران در نظریات مذکور، به این نتیجه می‌رسد که «ارزش ژئوپولیتیکای ایران به حدی است که هرگونه تغییر در حاکمیت آن می‌توانسته است موازنه منطقه‌ای و جهانی را برهم زند» و سپس در جدولی علائق ژئوپولیتیکای قدرت‌های جهانی نسبت به ایران در قرن بیستم را طی دوره‌های زمانی مختلف نشان می‌دهد و در جدول دیگری ویژگی‌ها و امتیازات ژئوپولیتیکای ایران در قرن بیستم را براساس نظریات جهانی ژئوپولیتیک و عناصر جغرافیایی و تعیین میزان نقش هر یک به نمایش می‌گذارد.

در فصل چهارم که «تیین عوامل مؤثر در شکل‌گیری جغرافیای سیاسی و ژئوپولیتیک ایران در قرن بیستم» نام دارد نویسنده موضوع فرآیند شکل‌گیری جغرافیای سیاسی و نقش ژئوپولیتیک ایران را در چهار دوره زمانی بررسی کرده است که عبارتند از:

- ۱ - از آغاز قرن بیستم تا پایان جنگ بین‌الملل اول (۱۹۱۸-۱۹۰۰).
- ۲ - از پایان جنگ بین‌الملل اول تا خاتمه جنگ بین‌الملل دوم (۱۹۴۵-۱۹۱۸).
- ۳ - دوران جنگ سرد (۱۹۸۹-۱۹۴۵) (که دوره اخیر را

در دو بخش: الف: از آغاز جنگ سرد تا وقوع انقلاب اسلامی (۱۹۷۹-۱۹۴۷)، ب: از انقلاب اسلامی تا پایان جنگ سرد به تفصیل اشاره نموده است).

۴ - دوران پس از جنگ سرد تا پایان قرن بیستم. نویسنده در هر یک از این دوره‌ها به تحلیل وقایع تاریخ آن زمان پرداخته و به تاثیر آن بر ایران اشاره می‌کند. به‌طور مثال در مرحله اول به تاثیر جنگ جهانی اول در ایران می‌پردازد. در قسمت دوم به دلایل اشغال ایران در خلال جنگ جهانی دوم توجه می‌کند. در قسمت اول از بخش سوم به موضوع ملی شدن صنعت نفت، کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، دکترین کندی، قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، دکترین نیکسون پرداخته است و ضمن اینکه نتایج علائق ژئوپولیتیک در رفتار ایالات متحده آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی نسبت به ایران، دکترین سیاسی جدید در خلال سالهای بعد از وقوع انقلاب اسلامی تا پایان جنگ سرد را تحلیل نموده است. شاید اگر نخواهیم به نتیجه‌گیری زود هنگام دست بزنیم دو فصل چهارم و پنجم کتاب در حکم مقدمه‌ای است بر جغرافیای سیاسی ایران و حاوی بهترین مطالبی است که تاکنون در یک مجموعه گردآوری شده است.

در فصل ششم کتاب با عنوان «چشم‌انداز جغرافیای سیاسی ایران در قرن بیست و یکم» مؤلف با اشاره به چالش‌های داخلی نظیر اشتغال (جمعیت جوان، بیکاری دانش‌آموختگان)، مواد مخدر، بحران آب، توسعه سیاسی، به نوعی اطلاعاتی که ارایه نموده را جمع‌بندی می‌کند و این فصل را با تحلیل مکانیزم رفتاری ایران در رابطه با کشورهای همجوار به انتها می‌برد، اگرچه از اطلاعات جامعی که از مسایل تحلیلی پیرامون روابط ایران و آمریکا در انتهای فصل آمده نمی‌توان غفلت کرد. آخرین فصل کتاب که عنوان «قلمروهایی نوین در عرصه جغرافیای سیاسی» را به خود اختصاص داده به چشم‌اندازهای جدید جغرافیای سیاسی و نقش بین‌المللی ایران در سده جدید میلادی اشاره دارد. هرچند در مقایسه با سایر فصول حجم زیادی را به خود اختصاص نداده است (۶ صفحه)، اما به عنوان تکمله‌ای بر آنچه امروز در فضای سیاسی ایران و روابط بین‌المللی حاکم است پرداخته و اهمیت نظریه «گفت‌وگوی تمدن‌ها» را گوشزد نموده است.

به هر شکل مطالبی که در کتاب مقدمه‌ای بر جغرافیای سیاسی ایران آمده است جای تامل بیش از تورق معمولی یک کتاب را دارد و اگر از یکی در اشکال و ویرایش آن نظیر شمارگان فهرست که به نحو عجیبی برخلاف قواعد نگارشی است درگذریم، کتابی مناسب برای مباحث آموزشی به حساب می‌آید و مؤلف به خوبی توانسته است اهداف قصد شده را محقق سازد و خواننده در انتهای کتاب این احساس را خواهد یافت که اطلاعات ذیقیمتی از جغرافیای سیاسی ایران از گذشته تا به امروز دریافت نموده است و همچنان که از عنوان کتاب پیداست این مجموعه مقدمه‌ای است بر جغرافیای سیاسی ایران، امید است در آینده‌ای نه چندان دور شاهد منابع جامع‌تری در خصوص جغرافیای سیاسی ایران در جامعه علاقه‌مندان به جغرافیای ایران باشیم.